

حق انصراف از انتشار آثار ادبی (مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی و برخی نظام‌های حقوقی شناسایی کننده این حق)

طیبه صاحب^۱ - عباس مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

چکیده

در برخی نظام‌های حقوق نوشته، خالقان آثار ادبی، از حق معنوی ویژه‌ای تحت عنوان حق انصراف از نشر اثر برخوردار هستند. به موجب این حق، چنانچه عقاید خالق بعد از واگذاری حق نشر اثر به دیگری تغییر اساسی کند، وی حق دارد از ادامه انتشار اثر خود جلوگیری کند. همچنین در برخی نظام‌های حقوقی، این حق بنا به دلایل اقتصادی و عدم بهره‌برداری ناشر ظرف مدت زمان مشخصی قابل اعمال است. از آنجاکه مبنای اصلی این حق، به نظریه شخصیت بازمی‌گردد، مدافعان حق انصراف، آن را ابزار مناسبی برای حفظ شخصیت پدیدآورنده می‌دانند. در مقابل، نظام‌های حقوقی مبتنی بر فایده‌گرایی، به واسطه هزینه‌های اجرای حق انصراف، از پذیرش آن سرباز می‌زنند. این حق در نظام حقوقی ایران شناسایی نشده است. با وجود این، با توجه به اینکه مبنای نظام حقوق ادبی و هنری کشورمان، عمدتاً مبتنی بر حفظ شخصیت خالق است و حق انصراف ماهیتاً امتداد حق نشر به شمار می‌رود، در این مقاله حق انصراف از نشر در نظام حقوق داخلی پیشنهاد شده است. با وجود این، به منظور به حداقل رساندن هزینه‌های اجرا، شرایط و استثنائاتی نیز در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: حق انصراف، حق افشا، حق نشر، حقوق معنوی، حق مالکیت ادبی و هنری

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) T-saheb@modares.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تربیت مدرس lawyer_moradi@yahoo.com

مقدمه

در بین پدیده‌های فکری، آثار ادبی و هنری، بیشترین ارتباط را با شخصیت پدیدآورنده دارند. به نحوی که این آثار را از جمله تراوشات ذهن و شخصیت پدیدآورنده دانسته و حتی پس از مرگ او نیز اثر را ادامه شخصیت پدیدآورنده به شمار می‌آورند.^۱ همین تعلق و وابستگی شخصیت پدیدآورنده به آثار ادبی و هنری است که این آثار را از حقوق مالکیت صنعتی متمایز می‌کند، تفاوت‌هایی که عمدتاً در میزان، مدت و حقوق مورد حمایت متبلورند.

آثار ادبی و هنری، به واسطه ارتباط معنوی با شخصیت پدیدآورنده، متضمن حقوقی است که لازمه حفظ شخصیت اوست. این حقوق که با عنوان حقوق معنوی و اخلاقی^۲ شناخته می‌شوند، در نظام‌های مختلف مالکیت فکری، دارای اقسام مختلفی هستند. از جمله حق ولایت یا انتساب اثر و یا حق تمامیت اثر که در اکثر نظام‌های حقوقی مالکیت فکری پیش‌بینی شده‌اند؛ ولی برخی حقوق معنوی همچون حق انصراف^۳ صرفاً در برخی نظام‌های مبتنی بر حق مؤلف همچون فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا پیش‌بینی شده است.^۴

به طور کلی، حق انصراف، حقی است که به پدیدآورنده این امکان را می‌دهد در صورتی که به هر دلیلی از جمله تغییر عقیده یا حادث شدن شرایط جدید بعد از انتشار اثر، اختلاف قابل توجهی بین تفکر جدید خالق و دیدگاه مندرج در اثرش ایجاد شود از انتشار اثر خود جلوگیری نماید. در برخی نظام‌های حقوقی مانند آلمان، ایتالیا و آمریکا اعمال این حق بنا به دلایل اقتصادی نیز پیش‌بینی شده است.^۵

نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری ایران در خصوص حق انصراف سکوت اختیار کرده است و حکم صریحی در این خصوص در قوانین داخلی یافت نمی‌شود. به همین دلیل در این مقاله با روش استقرایی، ابتدا در صدد شناخت هر چه بیشتر این حق برمی‌آیم تا پس از شناخت

۱. Pollaud-Dullian (2005), p 392, n 587 et 588 به نقل از زرکلام ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، (تهران، سمت، ۱۳۸۷)، ص ۱۳۸.

2. Moral Right.

۳. در زبان فرانسه به این حق، droit de repentir ou de retrait گفته می‌شود. در زبان انگلیسی، تعابیر مختلفی از این حق شده است.

Right to Withdraw, Right to Recall, Right to Repentance, Right to Disavow.

6. Goldstein Paul. *International copyright: principles, law, and practice*. (USA: Oxford University Press, 2001). p 354.

5. Rajan, M.T.S., *Moral rights: principles, practice and new technology*. (Oxford University Press. 2011), . p 66.

ابعاد مختلف آن، در نهایت بتوانیم نظریه کلی که مناسب حقوق داخلی باشد را ارائه کنیم. به همین دلیل سوال اصلی مقاله آن است که به منظور برقراری تعادل میان منافع درگیر در اجرای حق انصراف یعنی منافع خالق اثر و بهره‌بردار دارای حق نشر، شرایط و آثار این حق چگونه باید تعریف شود؛ به گونه‌ای که در عین حفظ و حراست از شخصیت خالق، منافع ناشر دارای حق بهره‌برداری نیز حفظ شود.

به این منظور در ادامه ابتدا مفهوم و ماهیت حق انصراف و نقدهای وارد بر آن و پاسخ به این نقدها تبیین می‌شود، سپس موضع کنوانسیون‌های مربوط به حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری بررسی و ضمن مقایسه این حق در قوانین سایر کشورها، وضعیت نظام حقوقی ایران را از این حیث مورد بررسی قرار داده و در نهایت پیشنهادهایی در این خصوص ارائه می‌شود.

۱- مفهوم حق انصراف

انصراف در لغت به معنای بازگشتن از رأی و عقیدتی آمده است.^۱ حق انصراف در نظام حقوق ادبی و هنری نیز از این معنای لغوی دور نیفتاده و در خاستگاه اولیه خود، به معنای انصراف خالق از نشر اثر خود به دلیل تغییر اساسی در عقاید او تعریف شده است. از آنجاکه خالقان آثار، نظرات و عقاید خود را عمدتاً به صورت مکتوب از طریق آثار ادبی بیان می‌کنند، این حق در تمامی نظام‌های حقوقی محدود به آثار ادبی منتشره است و شامل آثار هنری همچون نقاشی و مجسمه‌سازی نمی‌شود.^۲

حق انصراف^۳ در اکثر نظام‌های حقوقی مبتنی بر حق مؤلف نیز به عنوان حق معنوی خالق معرفی شده^۴ و مبنای این حق مانند سایر حقوق معنوی، عمدتاً مبتنی بر نظریه شخصیت است.^۵

۱. لغت‌نامه دهخدا، www.vajehyab.com/dekhoda/.

۲. Vaver David, ed. *Intellectual Property Rights: Critical Concepts in Law*. Vol. 4. (Taylor & Francis, 2006.), p 313.

۳. حق انصراف از نشر اثر، شبیه حق فراموش شدن یا محو کامل اثر است که در بنده ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیکی پیش‌بینی شده است. در این قانون، شخص موضوع حق، علاوه بر اینکه از حق اصلاح و تکمیل داده‌های نادرست و ناقص متناسب به خود برخوردار است، می‌تواند درخواست کند پرونده رایانه‌ای که حاوی کلیه اطلاعات منسوب به اوست به طور کامل محو شود. در حق انصراف نیز هدف اصلی، محو و امحاء اثر منسوب به خالق از چرخه بازار است و خالق با اعمال این حق قصد دارد با توقف توزیع اثرش، عقاید سابق او از اذهان مردم پاک و فراموش شود.

۴. زرکلام ستار، پیشین. ص ۱۲۴.

۵. حکمت نیا محمود، *مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن، در مباحثی از مالکیت فکری*، (قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴)، صص ۹-۵۷.

از آنجا که آثار ادبی و هنری جلوه‌ای از شخصیت خالق است، باید در صورت تغییر عقاید خالق، فرصت عرضه شخصیت به شکل تغییر یافته آن به خالق داده شود.^۱

هر چند حق انصراف در ابتدا صرفاً در صورت تغییر عقاید خالق امکان‌پذیر بود، به تدریج جلوه دیگری از اعمال این حق بنا به دلایل اقتصادی شکل گرفت. در صورتی که ناشر علی‌رغم عقد قرارداد و تعهد به انتشار اثر، از تعهد خود استنکاف ورزد و ظرف مدت زمان مشخصی اقدام به انتشار اثر نکند، خالق، حق دارد به صورت یک طرفه اقدام به فسخ قرارداد کرده و از ادامه نشر اثر توسط آن ناشر منصرف شود.^۲ در این وضعیت، عقاید خالق دستخوش تغییر نشده است، بلکه برعکس، خالق، به دلیل علاقه و اشتیاق خود برای نشر عقایدش، اقدام به اعمال حق انصراف می‌کند. در این موقعیت، آنچه خالق از آن منصرف شده، نه انصراف کلی از نشر اثر بلکه انصراف از ادامه نشر اثر با ناشر خاص است. این وضعیت نیز به دلیل ارتباط شخصیت خالق با اثر وی قابل توجیه است. خالق برای بیان عقاید خود و بروز شخصیت خود از حق نشر اثر برخوردار است. چنانچه ناشری که حق نشر به او واگذار شده، از تعهد خود به نشر اثر استنکاف ورزد، در واقع مانع از بیان عقاید و ظهور شخصیت خالق شده است.

لذا می‌توان گفت، حق انصراف عبارت از حق خالق به (۱) انصراف کلی از ادامه نشر اثر ادبی خود به دلیل تغییر عمده در افکار و عقاید وی (۲) انصراف از نشر اثر خود توسط ناشری خاص بنا به دلایل اقتصادی. مورد اول به دلیل عدم تمایل خالق به ادامه انتشار عقاید وی و مورد دوم برخلاف حالت اول به دلیل علاقه و اشتیاق خالق برای بیان عقاید وی پیش‌بینی شده است. هر چند هدف و آثار ناشی از اعمال حق انصراف در هر یک از این دو مورد کاملاً با دیگری متفاوت است، اما آنچه موجب قرابت و نزدیکی آنان و درج هر دو ذیل عنوان حق انصراف می‌شود، یکسان بودن ماهیت عمل حقوقی است که منجر به اعمال این حق می‌شود. در هر دو وضعیت، عمل حقوقی که اتفاق می‌افتد، فسخ و خاتمه یک طرفه قرارداد نشری است که خالق با دیگری بسته است. قراردادی که طبق قواعد عمومی، از هم گسستن آن به رضایت هر دو طرف نیاز دارد. حال آنکه در صورت اعمال حق انصراف، خالق می‌تواند یک طرفه و به صورت قهری و بدون نیاز به مذاکره با ناشر اقدام به خاتمه قرارداد نماید.

1. Schere Elizabeth. "Where Is the Morality: Moral Rights in International Intellectual Property and Trade Law." *Fordham Int'l LJ* 41 (2017): 773.p 776.

۲. برای مثال می‌توان به نظام حقوقی آلمان و امریکا اشاره کرد.

۲- نقد حق انصراف

برخلاف سایر حقوق معنوی، حق انصراف از نشر اثر با مخالفت‌های جدی روبرو شده است. مخالفان عمدتاً اشکالی به اصل پذیرش این حق وارد نکرده‌اند. بلکه ایرادات منصرف به (۱) هزینه‌های اجرای حق (۲) ناکارآمدی این حق در تأمین مقصود اصلی خالق است.

۲-۱- هزینه‌های اجرای حق

در فرضی که حق انصراف به دلیل تغییر عقاید خالق انجام می‌شود، اعمال این حق، هزینه‌های بعضاً سنگینی را بر دوش ناشران بهره‌بردار قرار می‌دهد. ناشری که بعد از عقد قرارداد اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است، به یک‌باره با تصمیم خالق مبنی بر انصراف از قرارداد و نشر اثر مواجه می‌شود. امری که از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست. مخالفان همچنین اعتقاد دارند، اعمال این حق، ثبات قراردادها را که لازمه دادوستد و کسب‌وکار در بازار است را به هم می‌ریزد. عدم قطعیت ناشی از اعمال این حق می‌تواند موجب رخوت و عدم اقدام ناشر باشد. ناشری که قرارداد وی هر لحظه در معرض فسخ قرار دارد.^۱ برای رفع این ایرادها، نظام‌های حقوقی معتقد به حق انصراف، دو تدبیر عمده اندیشیده‌اند. اول اینکه اعمال این حق در صورتی امکان‌پذیر است که دلایل جدی، ضرورت اعمال این حق را توجیه کند. به این ترتیب این حق صرفاً در صورتی که قابل اعمال است که منافع خالق در اجرای حق بیشتر از منافع ناشر در نشر اثر باشد. به این منظور در برخی نظام‌های حقوقی، اعمال حق منوط به آن است که دادگاه جدی بودن دلایل خالق را بررسی و حکم به اعمال حق دهد. از سوی دیگر در تمامی نظام‌های حقوقی، اعمال حق منوط به جبران خسارت‌های وارده به ناشر است. حتی در برخی نظام‌های حقوقی به صراحت آمده است این جبران باید به صورت پیشینی^۲ یعنی قبل از اعمال حق انجام شود. همچنین به منظور حفظ ثبات قراردادها و جلوگیری از سوء استفاده خالق پیش‌بینی شده است در صورتی که خالق تصمیم به نشر مجدد اثر خود بگیرد باید مجوز نشر را به همان ناشر اولیه طبق شرایط قبلی واگذار کند.

1. Radkova, Lenka: "Moral Rights of Authors in International Copyright of the 21st Century: Time for Consolidation?", Dissertation of Masters of Law, the University of British Columbia, 2001, p 69.

2. Ex- ante.

۲-۲- ناکارآمدی حق انصراف در تأمین مقصود اصلی خالق

هدف اصلی حق انصراف در فرض اولیه آن یعنی تغییر عقاید خالق، پاک کردن اذهان عمومی از عقایدی است که خالق، دیگر خود را به آن‌ها پایبند نمی‌داند. حق انصراف در صورتی می‌تواند مقصود اصلی خالق را برآورده کند که خالق بتواند تمام نسخه‌های منتشرشده در بازار را مجدداً تصاحب کند.^۱ این در حالی است که حق انصراف به معنی بازپس‌گیری حق نشر از ناشر است و خالق، حقی بر نسخه‌های به فروش رفته ندارد. از این رو می‌توان گفت، حق انصراف حقی تهی^۲ است و ارزشی برای خالق ندارد. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت، هر چند حق انصراف به‌طور کامل نمی‌تواند مقصود خالق را برآورده کند اما اعمال آن به‌صورت نشانه‌ای از تغییر عقاید خالق عمل می‌کند که عموم متوجه آن خواهند شد و به تغییر دیدگاه‌های خالق پی خواهند برد.^۳ همچنین، نتیجه اعمال حق انصراف که همانا توقف ادامه توزیع اثر است، خود می‌تواند مرهمی بر درد خالق در نتیجه استمرار نشر عقایدی باشد که او دیگر به آن‌ها معتقد نیست.

۲-۳- نادر بودن موارد اعمال حق

دلیل دیگری که مخالفان در مخالفت با این حق ابراز می‌کنند به یک حقیقت عینی بازمی‌گردد و آن اینکه در اکثر نظام‌های حقوقی که این حق مورد پذیرش قرار گرفته است، در عمل موارد معدودی را می‌توان یافت که به این حق استناد شده باشد. دلیل این امر هم دشواری‌های ناشی از اجرای شرایط اعمال حق به‌ویژه شرط لزوم جبران کامل خسارت‌های وارد به ناشر است.^۴

علی‌رغم معدود بودن پرونده‌های ناظر به حق انصراف، موافقان به یک پرونده بسیار مهم استناد می‌کنند. پسر چارلی چاپلین در سن نوزده سالگی، حق نشر داستان زندگی خود را به یک ناشر واگذار کرده بود. زندگی‌نامه مزبور تصویر نامناسبی از والدین چاپلین و خود وی ارائه می‌کرد. به همین دلیل، پسر چاپلین از کرده خود پشیمان شد و به‌منظور توقف توزیع اثر در دادگاه طرح دعوا کرد. از آنجا که دعوا در انگلستان طرح شده بود و نظام حقوقی انگلستان حق

1. Vaver, David, *Op.cit*, p 312.

2. Empty right.

3. Ibid.

4. Rigamonti, Cyrill P. "Deconstructing moral rights." *Harv. Int'l LJ* 47 (2006): 353.p363, footnote 62.

انصراف از نشر اثر را به رسمیت نمی‌شناسد، حکم به رد دعوا صادر شد؛ اما اگر همین دعوا در یکی از کشورهایی که حق انصراف را به رسمیت می‌شناسند طرح شده بود، نتیجه دعوا می‌توانست برعکس باشد و به این ترتیب، امکان جبران اقدامی که در جوانی صورت گرفته بود و دارای آثار نامطلوبی بر این خانواده بود رفع می‌شد.^۱

۳- راه‌حل‌های جایگزین

یکی دیگر از دلایلی که در عدم نیاز به پیش‌بینی این حق به‌ویژه در نظام حقوق داخلی مطرح شده آن است که خالق اثر می‌تواند در صورت تغییر دیدگاه خود، نسبت به انتشار اثر دیگری که دیدگاه جدید او را بیان می‌کند اقدام کند.^۲ این در حالی است که اولاً علاوه بر تغییر دیدگاه خالق، یکی دیگر از زمینه‌های اعمال حق انصراف در برخی نظام‌های حقوقی، لطمه به منافع اقتصادی خالق به دلیل عدم بهره‌برداری از اثر، عنوان شده است. در نتیجه این استدلال نمی‌تواند پاسخی به این جنبه از اعمال حق انصراف باشد. ثانیاً حتی اگر تغییر عقیده خالق را مهم‌ترین زمینه اعمال حق انصراف بدانیم نیز این استدلال کافی نیست. هدف اصلی حق انصراف، توقف توزیع اثر در بازار و عدم چرخش و دست‌به‌دست شدن آن در میان مردم است. امری که به‌صراحت در برخی نظام‌های حقوقی همچون روسیه، مصر و اسپانیا^۳ مورد تأکید قرار گرفته است. هرچند خالق با چاپ اثر دیگری می‌تواند عقاید جدید خود را بیان کند اما عقاید قبلی او همچنان در بازار توزیع می‌شود و چاپ اثر اصلاحی نمی‌تواند درد و آلام ناشی از تداوم انتشار عقایدی که خالق دیگر به آن‌ها معتقد نیست را از میان بردارد.

۴- توسل به قواعد عمومی قراردادها

بنا به گفته موافقان، حق انصراف در موقعیتی قابل‌اجراست که خالق مبادرت به عقد قرارداد نشر با دیگری نموده است و اکنون که قانوناً در یک رابطه حقوقی الزام‌آور درگیر است، قصد انصراف از نشر مجدد اثر خود را دارد. مخالفان معتقدند آنچه خواست اصلی خالق است، فسخ

1. Vaver, David, *Op.cit*, p 313.

۲. حکمت نیا محمود، *مبانی مالکیت فکری*، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۷). ص ۶۳.

Standler, Ronald B. "Moral rights of authors in the USA." available (December 2001) at: www.rbs2.com/moral.htm (1998).p 42.

۳. رجوع شود به بحث بررسی تطبیقی حقوق اسپانیا و روسیه و پاورقی‌های مرتبط.

و خاتمه قرارداد است که با توسل به قواعد عمومی قراردادها می‌توان به این هدف دست یافت. به این منظور کافی است خالق با ناشر به مذاکره بنشیند و مجدداً امتیاز حق نشر اثر خود را از وی بازپس گیرد.^۱ در مقابل پاسخ داده شده توسل به مذاکره لزوماً منجر به نتیجه منصفانه نمی‌شود. ناشر انگیزه و همچنین این فرصت را دارد که با سو استفاده از موقعیت خود قیمت بالاتری پیشنهاد دهد که بسیار بیشتر از خسارت‌های وارده می‌شود. از این رو خالق با توسل به حکم قانون و به قهر و اجبار حق نشر خود را به ناشر واگذار کرده بود باز پس می‌ستاند؛ اما برای جلوگیری از سو استفاده خالق، وی مکلف است ابتدا ورود ضرر عمده بر خود که دلیل موجه اعمال این حق است را اثبات و همچنین کلیه خسارت‌های وارد به ناشر را جبران کند و اگر مجدداً نیز قصد نشر اثر خود را داشت با همان ناشر سابق مبادرت به عقد قرارداد کند.^۲

۵- وضعیت حق انصراف در اسناد بین‌المللی

بند دو ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر حمایت دولت‌ها از حقوق معنوی و مادی اثر را یکی از حقوق طبیعی اشخاص دانسته است.^۳ برخی از پژوهشگران حوزه حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، قائل به این نظر هستند که در اسناد بین‌المللی خصوصاً «در کنوانسیون برن و مقررات ضمیمه تریپس این حق (حق معنوی) به رسمیت شناخته نشده است».^۴

حق انصراف به صورت مشخص در اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق مالکیت فکری مورد اشاره قرار نگرفته است. دلیل این امر لابی بهره‌برداران قدرتمند آثار ادبی و هنری ذکر شده است.^۵ اجرای حقوق معنوی از جمله حق انصراف می‌تواند آثار مالی عمده‌ای به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، اشخاصی که مجوز بهره‌برداری از اثری را کسب می‌کنند و به این منظور اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند در صورت انصراف خالق، بعضاً متحمل ضررهای سنگین می‌شوند. این تهدید که به‌ویژه متوجه صنعت فیلم‌سازی در هالیوود بود، موجب شده است که در ایالات متحده آمریکا، همچنین اسناد مهم بین‌المللی، اجرای حقوق معنوی به‌ویژه در صنعت

1. Vaver, David, Op.cit, p 313.

2. Ibid.

3. Everyone has the right to the protection of the moral and material interests resulting from any scientific, literary or artistic production of which he is the author.

۴. محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمد مهدی پیشین. ص ۱۷۰.

5. Sundara Rajan, Mira T., "Moral Rights and Copyright Harmonization: Prospects for an 'International Moral Right'" (April 5, 2002). 17th BILETA Annual Conference Proceedings. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1809619>, p 4.

فیلم‌سازی با محدودیت‌هایی مواجه شود. برای مثال می‌توان به ماده ۵ معاهده حمایت از حقوق هنرمندان در اجرای زنده صوتی گرامافونی-WPPT^۱ ۱۹۹۶ اشاره کرد که حقوق معنوی اجراکننده را محدود به اجراهای زنده شنیداری یا اجراهای ضبط‌شده در فونوگرام کرده است.^۲ به این ترتیب، اجراکنندگان در قیاس با مؤلفان، از حقوق معنوی ضعیف‌تری برخوردار هستند. به همین دلیل، حق انصراف در کشورهای شناسایی‌کننده این حق، صرفاً محدود به اثر ادبی در معنای کلاسیک و سنتی خود شده است و آثار هنری و همچنین نرم‌افزارهای رایانه‌ای به‌عنوان یکی از مصادیق اثر ادبی^۴ به‌صراحت از آن مستثنا شده‌اند.

با وجود این، با دقت در برخی از مواد این کنوانسیون‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که حق انصراف به‌طور ضمنی مورد شناسایی قرار گرفته است. ذیلاً به مستندات موجود در هریک از کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق مالکیت فکری اشاره می‌شود.

الف: کنوانسیون برن ۱۸۸۶ م.

کنوانسیون برن، اولین سند بین‌المللی است که علاوه بر حقوق مادی، حقوق دیگری که دارای ماهیت غیراقتصادی است و از آن به حقوق معنوی یاد می‌شود برای پدیدآورندگان در نظر گرفته است. طبق بند ۱ ماده ۶ مکرر کنوانسیون: «مستقل از حقوق مالی پدیدآورنده و حتی پس از انتقال (زوال) این نوع حقوق، پدیدآورنده باید از حق پدیدآورندگی اثر، اعتراض به هرگونه تغییر شکل، تحریف یا اصلاحات و هرگونه عمل موهنی بر روی اثر که منجر به لطمه دیدن افتخار یا شهرت پدیدآورنده شود، برخوردار باشد.»

در این ماده، حق انصراف به‌صراحت مورد شناسایی قرار نگرفته است و صرفاً به دو حق انتساب اثر به پدیدآورنده و حق تمامیت اثر اشاره شده است که اعضا مکلف به شناسایی این دو حق به نفع پدیدآورنده هستند. با وجود این، این ماده به بیان حداقل حقوق معنوی پرداخته است

1. WIPO Performances and Phonograms Treaty 1996.

2. Article 5: "Independently of a performer's economic rights, and even after the transfer of those rights, the performer shall, as regards his live aural performances or performances fixed in phonograms, have the right to claim to be identified as the performer of his performances, except where omission is dictated by the manner of the use of the performance, and to object to any distortion, mutilation or other modification of his performances that would be prejudicial to his reputation."

3. (Rajan, M.T.S., 2011, p 18).

۴. به‌موجب بند یک از ماده ۱۰ موافقت‌نامه تریپس، اعضا مکلف شده‌اند از نرم‌افزارهای رایانه‌ای به‌عنوان یک اثر ادبی حمایت کنند.

و منعی ندارد کشورها، حقوق بیشتری برای پدیدآورنده در نظر بگیرند.

به این منظور، معیار مقرر در انتهای ماده یعنی حفظ افتخار و شهرت پدیدآورنده، شاخصی است که می‌توان برای تعریف این حقوق به کار برد. در خصوص حق انصراف نیز، هدف اصلی حفظ و حراست از شهرت و اعتبار نویسنده است. با این تفاوت که برخلاف حق تمامیت اثر که فعل شخص ثالث بر شهرت و افتخار نویسنده اثر گذار بوده است، در اینجا آنچه به حیثیت و اعتبار نویسنده لطمه می‌زند، عمل سابق خود نویسنده در بیان عقایدی است که دیگر به آن‌ها اعتقادی ندارد. نویسنده با اجرای این حق این امکان را می‌یابد که آبروی در معرض خطر خود را حفظ کرده و با خروج اثر از گردونه بازار، اعتبار خود را بازیابد.

با وجود این، علی‌رغم عدم تصریح به حق انصراف در کنوانسیون برن، در سند ضمیمه کنوانسیون برن ویژه کشورهای در حال توسعه^۱، احکامی پیش‌بینی شده است که به صراحت به اجرای حق انصراف طبق تعریفی که از آن ارائه شد، اشاره شده است. به موجب این ضمیمه، کشورهای در حال توسعه می‌توانند تحت شرایط خاصی، مجوزهای اجباری ترجمه و یا تکثیر آثار خارجی را در کشور خود صادر کنند.^۲

به موجب ماده ۲ ضمیمه در صورتی که مالک و یا شخص مجاز از سوی او ظرف مدت سه سال بعد از تاریخ اولین انتشار اثر، اقدام به ترجمه اثر خود به زبان عمده کشور متقاضی نکنند، هر شخص تبعه آن کشور حق دارد از مرجع صالح درخواست کند مجوز ترجمه و نشر اثر به وی اعطا شود. این مجوز غیر انحصاری و غیر قابل انتقال است. در بند هشت این ماده، تحت عنوان «آثار انصراف داده شده از گردش [در بازار]»^۳، استثنایی بر این مجوز در نظر گرفته شده است. به موجب این بند: «برای اثری که پدیدآورنده اش از گردش کلیه نسخه‌های اثر خود در بازار انصراف داده است، نباید هیچ‌گونه مجوزی صادر کرد.»^۴

شبهه به همین مقرر در ماده ۳ ضمیمه فوق پیش‌بینی شده است که به موجب آن در صورتی که ظرف مدت زمان مشخصی، مالک اثر و یا شخص مجاز از سوی او، در کشور متقاضی، اقدام به توزیع اثر با

1. Appendix Special Provisions Regarding Developing Countries.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Silva, Alberto J. Cerda. "Beyond the unrealistic solution for development provided by the appendix of the Berne convention on copyright." *J. Copyright Soc'y USA* 60 (2012): p 581.

3. Works withdrawn from circulation.

4. "(8) No license shall be granted under this Article when the author has withdrawn from circulation all copies of his work."

قیمت معقول و قابل قیاس با آثار مشابه نکنند، هر یک از تبعه کشور متقاضی می‌تواند درخواست صدور مجوز نشر و انتشار اثر را مطرح کند. در قسمت «د» بند ۴ ماده ۳ ضمیمه نیز به‌عنوان استثنا بر صدور مجوز آمده است: «برای اثری که پدیدآورنده‌اش از گردش کلیه نسخه‌های ویرایشی که درخواست تکثیر و انتشار آن را داده است، انصراف داده باشد، نباید هیچ‌گونه مجوزی صادر کرد.»

در این بندها، به‌صراحت، عمل انصراف از گردش کلیه نسخه‌های اثر در بازار مورد شناسایی قرار گرفته است. هرچند قانون‌گذار اشاره‌ای نکرده است که پدیدآورنده به استناد کدام یک از حقوق مادی و یا معنوی خود مبادرت به انصراف از گردش اثر خود می‌کند؛ ولی پیش‌بینی امکان اجرای این عمل به‌صورت ضمنی دلالت بر وجود این حق برای پدیدآورنده است؛ هرچند ماهیت، شرایط و آثار اجرای آن به‌صراحت بیان نشده است.

ب: کنوانسیون جهانی حق مؤلف^۱ (ژنو ۱۹۵۲ م)

کنوانسیون جهانی حق مؤلف در پی انتقادهای ایالات متحده آمریکا و روسیه بر کنوانسیون برن مبنی بر غیر تشریفاتی بودن حمایت از آثار ادبی و هنری و عدم نیاز به ثبت اثر، همچنین به دلیل عدم اقبال کشورهای درحال توسعه از کنوانسیون برن به دلیل بالا بودن میزان حمایت‌ها از پدیدآورندگان آثار، با لابی ایالات متحده آمریکا، توسط یونسکو یکی از نهادهای سازمان ملل تهیه شد.^۲ در مقایسه با کنوانسیون برن، این کنوانسیون، حقوق انحصاری کمتری برای پدیدآورنده در نظر گرفته است^۳ و مانند ضمیمه کنوانسیون برن، حاوی مقرراتی است که بر حقوق انحصاری پیش‌بینی شده محدودیت‌هایی وارد کرده است. از جمله ماده ۵ این کنوانسیون، به اعضا اختیار داده شده است در صورتی که پدیدآورنده ظرف مدت هفت سال از تاریخ اولین انتشار اثر خود، اقدام به ترجمه اثر به یکی از زبان‌های کشورهای عضو نکند، هر شخصی حق داشته باشد از مقام ذی‌صلاح درخواست کند مجوز ترجمه اثر به وی اعطا شود. سپس در انتهای این ماده، پیش‌بینی شده است: «هنگامی که پدیدآورنده از گردش کلیه نسخه‌های اثر خود انصراف داده باشد، این مجوز قابل اعطا

1. Universal Copyright Convention.

۲. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۱ در پاریس اصلاح شد.

3. Prasad, Akhil, Aditi Agarwala, and Akhil Prasad. *Copyright Law Desk Book: Knowledge, Access & Development*. Universal Law Publishing, 2009. pp 142-4.

نیست».

به این ترتیب، در این کنوانسیون نیز بی آنکه اشاره‌ای به ماهیت عمل و شرایط و آثار آن شود، وضعیتی پیش‌بینی شده که پدیدآورنده در آن، کلیه نسخه‌های اثر خود را از بازار جمع‌آوری کرده، عملی که منطبق با تعریف حق انصراف از نشر اثر است.

پ: موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۱ (تریپس)

در بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس، اعضا مکلف شده‌اند مواد ۱ الی ۲۱ کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و ضمیمه آن را رعایت کنند. در ادامه مقرر شده است اعضا حقوق یا تعهداتی در خصوص حقوق اعطایی به موجب ماده ۶ مکرر این کنوانسیون یا حقوق ناشی از آن ندارند. همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن به ذکر حقوق معنوی پدیدآور اختصاص دارد. با وجود این، با توجه به تکلیفی که به تبعیت از ضوابط کنوانسیون، به اعضا تحمیل شده است، می‌توان گفت تریپس نیز همان تلقی را از حق انصراف دارد که در خصوص موضع کنوانسیون برن بیان شد. لذا می‌توان چنین استنباط کرد همین که این اسناد نتیجه اجرای حق انصراف را مورد شناسایی و تأیید قرار داده‌اند، خود حکایت از این دارد که چنین حقی را برای پدیدآورنده آثار ادبی به رسمیت می‌شناسند.

۶- بررسی تطبیقی حق انصراف در سایر کشورها

حق انصراف اولین بار در سال ۱۹۹۲ در قانون مالکیت فکری فرانسه مدون شد. هرچند که سابق بر این قانون نیز در نظام حقوق معنوی فرانسه، جایگاه خاصی داشت.^۲ امروزه این حق به صراحت در قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، آلمان،^۳ ایتالیا،^۴ اسپانیا،^۵ مصر،^۶ اسلونی^۷ و

1. Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs).

2. Ibid.

3. §41-42 UrhG 1965, *Rückrufsrecht wegen gewandelter Überzeugung*.

4. Law for the Protection of Copyright and Neighboring Rights (Law No. 633 of April 22, 1941, as last amended by Decree Law No. 154 of May 26, 1997) available at: <http://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/it/it099en.pdf>.

5. Law No. 22/1987, of November 11, 1987, on Intellectual Property, as last amended by Law No. 43/1994 of December 30, 1994 Available at: <http://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/es/es177en.pdf>.

۶. قانون شماره ۸۲ مورخ ۲۰۰۲ در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری.

۷. قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط مصوب ۱۹۹۵.

روسیه^۱ پیش‌بینی شده است.^۲ در نظام حقوقی کامن‌لا، حق انصراف به‌ندرت مورد ادعا قرار گرفته است. با وجود این، حق مقرر در بخش ۲۰۳ قانون حق مالکیت ادبی و هنری (کی‌رایت) آمریکا، در خصوص فسخ انتقال، این حق تا حدودی شبیه حق انصراف است.

هدف از حق انصراف، حذف اثر از گردش در بازار است. همین امر می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر دوش بهره‌برداران از جمله ناشران قرار دهد. به همین منظور در اکثر نظام‌های حقوقی که این حق به رسمیت شناخته شده است، به منظور حفظ توازن و تعادل میان منافع خالق اثر و بهره‌برداران آثار، شرایط خاصی بر اجرای این حق در نظر گرفته شده است.^۳ در ادامه به برخی قواعد مشترک این نظام‌ها اشاره می‌شود:

الف: زمینه‌های اعمال حق

در خصوص دلیل و زمینه اعمال حق انصراف، کشورها مواضع مختلفی را اتخاذ کرده‌اند. در فرانسه و آمریکا، این حق بدون ارائه هیچ‌گونه دلیلی قابل اجراست. در مصر، به موجب ماده ۱۴۴ قانون شماره ۸۲ مورخ ۲۰۰۲ در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری، اعمال این حق در صورت بروز «دلایل جدی» که تشخیص آن با نظر دادگاه بدوی امکان‌پذیر است.^۴ در اسلونی، به موجب ماده ۲۰ قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط مصوب ۱۹۹۵، اعمال حق انصراف در صورت بروز «دلایل جدی اخلاقی» امکان‌پذیر است.^۵ در نتیجه به دلایل مادی هرچند جدی و مهم باشند نمی‌توان این حق را اجرا کرد. در برخی نظام‌های حقوقی همچون اسپانیا نیز اعمال این حق صرفاً به شرط «تغییر در عقاید خالق اثر» امکان‌پذیر است. به موجب ماده ۱۴ قانون مربوط به مالکیت فکری اسپانیا، خالق اثر می‌تواند به دلیل تغییر عقاید ذهنی یا اخلاقی، از گردش اثر خود انصراف دهد.^۶

1. Graždanski Kodeks Rossiiskoi Federatsi, ChastChetvertaya [Civil Code of the Russian Federation, Part IV], Federal Law No. 230-FZ of December 18, 2006.

2. M. Taitano and S. Farb, "International Moral Rights: Working Document – Moral Rights by Country", (2005), available at : [http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&ved=2ahUKEwi86Nyvn6HdAhXFIIAKHTEsCAcQFjAAegQIABAC&url=http%3A%2F%2Fwww.interpares.org%2Fdisplay_file.cfm%3Fdoc%3Dip2\(policy\)moral_rights.pdf&usg=AOvVaw0PzSiZQooqrR8mL_H-i8y5](http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&ved=2ahUKEwi86Nyvn6HdAhXFIIAKHTEsCAcQFjAAegQIABAC&url=http%3A%2F%2Fwww.interpares.org%2Fdisplay_file.cfm%3Fdoc%3Dip2(policy)moral_rights.pdf&usg=AOvVaw0PzSiZQooqrR8mL_H-i8y5).

3. Ibid.p 66.

4. "Where serious reasons arise..."

5. "... provided the [Author] has serious moral reasons for this,."

6. "The right to withdraw the work from circulation for reasons of changed intellectual or moral convictions, after indemnification of the holders of exploitation rights for damages and prejudice."

در نظام حقوقی آلمان این حق نه تنها به دلیل تغییر عقاید خالق اثر، بلکه به دلایل مادی و «عدم بهره‌برداری ناشر ظرف مدت زمان مشخصی» نیز قابل اعمال است. به این ترتیب، در حقوق آلمان، حق انصراف دامنه گسترده‌تری دارد؛ به نحوی که حق انصراف که از آن تعبیر به حق لغو^۱ شده است، نه تنها به دلیل تغییر اعتقادات پدیدآورنده، بلکه با انگیزه‌های صرفاً مالی و مادی که از آن به منافع مشروع پدیدآورنده تعبیر می‌شود نیز ممکن است.^۲ در حالت اخیر خالق اثر می‌تواند، در صورت عدم بهره‌برداری منتقل‌الیه از اثر، ظرف مدت زمان مشخصی، این حق را اعمال کند.

ماده ۴۱ قانون کپی‌رایت و حقوق مجاور آلمان اصلاحی ۱۹۹۸، به شرایط اعمال حق انصراف در صورت عدم بهره‌برداری از اثر و ماده ۴۲ آن قانون به حق انصراف در صورت تغییر عقاید خالق اثر اشاره می‌کند.^۳ به موجب بند یک از ماده ۴۱:

«در صورتی که دارنده حق بهره‌برداری انحصاری، اقدام به بهره‌برداری نکند و یا بهره‌برداری انجام شده ناکافی باشد، به نحوی که به منافع مشروع خالق، لطمه جدی وارد کند، خالق می‌تواند حق بهره‌برداری را لغو کند...»^۴.

به موجب بند دو ماده ۴۱، این حق ظرف مدت دو سال بعد از انتقال حق بهره‌برداری و یا تحویل اثر قابل اعمال است.^۵ به موجب بند سه، خالق اثر مکلف است قبل از اعمال این حق، فرصتی برای جبران به منتقل‌الیه اعطا کند.^۶ همچنین به موجب بند شش این ماده، در صورتی که انصاف اقتضا کند باید خسارت ناشی از اعمال این حق، توسط خالق جبران شود.^۷

در ایتالیا نیز به موجب مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کپی‌رایت و حقوق مجاور، خالق اثر می‌تواند در صورت بروز دلایل اخلاقی جدی، از حضور اثر خود در بازار انصراف دهد.^۸ همچنین در

1 . Revocation.

۲. زرکلام ستار، پیشین. ص ۱۲۳.

3 . §41-42 UrhG 1965, *Rückrufsrecht wegen gewandelter Überzeugung*.

4 . "Where the holder of an exclusive right of use does not exercise the right or only does so insufficiently and this significantly impairs the author's legitimate interests, the author may revoke the right of use."

5. "The right of revocation may not be exercised before the expiry of two years following the grant or transfer of the right of use or, if the work is delivered at a later date, since its delivery..."

6. "The revocation may not be declared until after the author has, upon notification of the revocation, granted the holder of the right of use an appropriate extension to sufficiently exploit the right of use..."

7. "The author shall compensate the person affected if and insofar as this is fair and equitable."

8. "Whenever serious moral reasons arise, the author shall be entitled to withdraw his work from the market, subject to liability to compensate any persons who have acquired rights to reproduce, disseminate, perform or sell such work..."

مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ این قانون، ذیل عنوان قراردادهای نشر، پیش‌بینی شده است که در صورت عدم انتشار یا تکثیر اثر ظرف مدت مشخصی، خالق حق دارد نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند.^۱

در امریکا نیز بدون اشاره صریح به حق انصراف، به موجب بخش ۲۰۳ قانون حق مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت)، پدیدآورنده تحت شرایط خاصی از حق فسخ قرارداد برخوردار است. به موجب این حق که حق غیرقابل اسقاطی است، خالق اثر و قائم‌مقام‌های قانونی وی، می‌توانند بعد از گذشت مدت زمان خاصی (اغلب ظرف پنج سال بعد از گذشت سی و پنج سال از انتقال حق بهره‌برداری)، نسبت به فسخ و خاتمه انتقال اقدام^۲ کنند.^۳

ب: لزوم جبران خسارت

نکته‌ای که تمامی نظام‌های حقوقی بر آن اتفاق دارند این است که خالق اثر در صورت اعمال این حق، مکلف به جبران خسارت‌های ناشی از اجرای حق است. به‌عنوان مثال به موجب ماده ۴-۱۲۱. L قانون مالکیت فکری فرانسه: «علی‌رغم انتقال حق بهره‌برداری، خالق اثر، حتی پس از انتشار اثر خود، در برابر منتقل‌الیه از حق بازبینی یا انصراف برخوردار است. با وجود این، اجرای این حق منوط به قبول جبران خسارت‌هایی است که در نتیجه اعمال حق بازبینی یا انصراف به منتقل‌الیه وارد می‌شود...».

در مصر به موجب ماده ۱۴۴ قانون شماره ۸۲ مورخ ۲۰۰۲، به صراحت پیش‌بینی شده که خالق اثر مکلف است قبل از اعمال این حق، ظرف مهلت زمانی که توسط دادگاه مشخص می‌شود زیان‌های وارد به بهره‌بردار را جبران کند. در غیر این صورت رأی دادگاه مبنی بر تجویز اعمال این حق منتفی می‌شود.^۴ در کشور اسلونی به موجب ماده ۲۰ قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق

1. "If a person acquiring the right of publication or reproduction does not publish or reproduce the work within the period specified in the contract or by the court, the author shall be entitled to require that the contract be terminated..."

2. Goldstein, Paul, Ibid.p 355.

3. 1) In the case of a grant executed by one author, termination of the grant may be effected by that author...

3) Termination of the grant may be effected at any time during a period of five years beginning at the end of thirty-five years from the date of execution of the grant; or, if the grant covers the right of publication of the work, the period begins at the end of thirty-five years from the date of publication of the work under the grant or at the end of forty years from the date of execution of the grant, whichever term ends earlier...."

4. "... In such a case, the author shall, within a delay fixed by the court, pay in advance a fair compensation to the person authorised to exercise the economic rights of exploitation, failing which the court decision shall have no effect."

مرتبط مصوب ۱۹۹۵، برای جلوگیری از سوءاستفاده منتقل‌الیه پیش‌بینی شده است منتقل‌الیه باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ اعلام انصراف، میزان خسارت‌های وارد بر خود را اعلام کند. در غیر این صورت، تصمیم خالق بعد از انقضای این مدت لازم‌الاجرا می‌شود.^۱

پ: عقد قرارداد مجدد با بهره‌بردار اولیه در صورت بازگشت از حق انصراف
به منظور جلوگیری از سوءاستفاده خالق اثر از حق انصراف، در نظام‌های حقوقی مورد بحث به استثنای مصر، پیش‌بینی شده، در صورتی که خالق اثر مجدداً تصمیم به نشر اثر خود بگیرد، مکلف است با همان ناشر اولیه قرارداد بهره‌برداری را منعقد کند.

البته در خصوص اینکه خالق باید با چه شرایطی با بهره‌بردار سابق قرارداد منعقد کند، برخی تفاوت‌های جزئی وجود دارد. در فرانسه، خالق باید با «همان شرایط قبلی» قرارداد را منعقد کند. به موجب قسمت اخیر ماده ۴-۱۲۱ L. قانون مالکیت فکری فرانسه «... اگر خالق اثر بعد از بازبینی یا انصراف، تصمیم به انتشار اثر بگیرد، باید ابتدا حق بهره‌برداری را به منتقل‌الیه اولیه و تحت همان شرایط قبلی، واگذار کند».^۲

در کشور اسلونی نیز به موجب ماده ۲۰ قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط مصوب ۱۹۹۵، پیش‌بینی شده است در صورتی که خالق اثر ظرف ده سال بعد از اجرای حق انصراف، تصمیم به انتشار مجدد اثر خود بگیرد مکلف است با منتقل‌الیه اولیه با «همان شرایط قبلی» قرارداد را منعقد کند.^۳ دلیل این امر آن است که بعد از گذشت ده سال احتمال سوءاستفاده خالق از این حق، منتفی است. در نتیجه خالق اختیار دارد با هر کس که مایل داشت قرارداد نشر را منعقد کند.

در آلمان به موجب ماده ۴۲ قانون کپی‌رایت و حقوق مجاور اصلاحی ۱۹۹۸ در صورت از سرگیری بهره‌برداری، خالق اثر مکلف است حق بهره‌برداری را به منتقل‌الیه قبلی واگذار کند؛

1. The holder must notify the author of the extent of damages suffered by him within three months of the receipt of the notice of revocation. If the holder fails to do so, the right to withdrawal takes effect on the expiration of this term.

2. "...Lorsque, postérieurement à l'exercice de son droit de repentir ou de retrait, l'auteur décide de faire publier son oeuvre, il est tenu d'offrir par priorité ses droits d'exploitation au cessionnaire qu'il avait originellement choisi et aux conditions originellement déterminées."

3. If the author later wishes to transfer the economic rights in his work again, he shall be required, within the period of ten years after exercising his right to withdrawal, to offer these rights first to the previous holder, under the same conditions that were originally stipulated.

اما برخلاف حقوق فرانسه، شرایط واگذاری مجدد نه طبق شرایط قبلی بلکه طبق «شرایط معقول» تعیین می‌شود.^۱

در اسپانیا، موجب ماده ۱۴ قانون مربوط به مالکیت فکری، اگر خالق اثر، قصد از سرگیری بهره‌برداری را داشته باشد، باید دارنده قبلی را ترجیح دهد و «شرایط معقولی مشابه شرایط قبلی» به وی پیشنهاد دهد.^۲

ت: استثنائات

در نظام‌های حقوقی شناسایی کننده حق انصراف، استثنائاتی بر اجرای این حق در نظر گرفته شده است:

در فرانسه، به موجب ماده ۱۲۱-۷ قانون مالکیت فکری، در صورت عدم شرط خلاف، خالق یک نرم‌افزار حق اعمال حق انصراف را ندارد.^۳ دلیل این استثنا دقیقاً مشخص نیست. برخی عنوان کرده‌اند، دلیل این امر «اثر دلسردکنندگی»^۴ است. آثار رایانه‌ای از جمله صنایع حساس محسوب می‌شوند که مستلزم حمایت ویژه هستند چنانچه خالقان اثر حق اعمال این حق را بعد از واگذاری حق نشر داشته باشند، این امر باعث دلسردی فعالان این صنعت و در نتیجه مانع توسعه صنعت نرم‌افزار می‌شود.^۵

مشکل دیگر به‌دشواری جبران خسارت‌های وارده به بهره‌برداران بازمی‌گردد. از آنجا اکثر نرم‌افزارهای رایانه‌ای در نتیجه استخدام ایجاد می‌شوند و کارگران در قیاس با کارفرمایان خود از قدرت مالی بالایی برخوردار نیستند، شرط جبران خسارت نمی‌تواند در عمل تمامی خسارت‌های وارده به بهره‌بردار اثر رایانه‌ای را جبران کند.^۶

در روسیه، به موجب ماده ۱۲۴۰ مجموعه قوانین مدنی، حق انصراف مختص آثار ادبی غیر

1. "Should the author wish to resume exploitation of the work after revocation, he shall be obliged to offer a corresponding right of use to the previous holder of the right of use on reasonable conditions."

2. "If the author later decides to resume exploitation of his work, he shall give preference, when offering the corresponding rights, to the previous holder thereof, and shall offer terms reasonably similar to the original terms."

3. Article L121-7.

4. "Sauf stipulation contraire plus favorable à l'auteur d'un logiciel, celui-ci ne peut ...".

2° Exercer son droit de repentir ou de retrait."

4. Chilling Effect.

5. Rajan, Ibid. p292.

6. Ibid. p 317.

فنی است^۱ و نسبت به برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده و آثار مرکب مانند فیلم و آثار ناشی از استخدام قابل اعمال نیست^۲. دلیل این استثنا در برنامه‌های رایانه‌ای، همانند نظام حقوقی فرانسه به دلیل اثر دلسردکنندگی، در آثار ناشی از استخدام، دشواری جبران خسارت و در خصوص آثار مرکب، دشواری محاسبه خسارت به دلیل تعدد متضرران عنوان شده است.^۳ در اسلونی به موجب ماده ۲۰ قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط مصوب ۱۹۹۵، آثار سمعی، بصری، برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده از شمول حق انصراف مستثنی هستند.^۴

۸-۵ تشریفات شکلی

در برخی نظام‌های حقوقی اعمال حق انصراف منوط به رعایت تشریفات خاصی شده است. در مصر^۵، اعمال حق انصراف منوط به اخذ حکم دادگاه است. در نظام حقوقی روسیه نیز، خالق که از گردش اثر خود در بازار انصراف می‌دهد باید تصمیم خود را به اطلاع عموم برساند.^۶

۷- وضعیت حق انصراف در حقوق ایران

در قانون ایران تصریحی به حق انصراف نشده است. به همین دلیل برخی حقوقدانان معتقدند این حق در نظام حقوقی ایران وجود ندارد^۷ و قانون‌گذار در این خصوص سکوت اختیار کرده است.^۸ همچنین، اعمال حق انصراف که به معنی فسخ یک طرفه قرارداد نشر است، در تقابل جدی با اصل لزوم قراردادها قرار می‌گیرد. اصل بر لزوم قراردادهاست، مگر آنکه قانون‌گذار در برخی موارد خاص حکم دیگری مقرر کرده باشد. در خصوص جایز بودن قرارداد نشر از سوی پدیدآورنده، حکم صریحی در قانون یافت نمی‌شود. با وجود این، به نظر می‌رسد در

1. Rajan, Ibid. p 214.

2. "...The rules of the present article are not applicable to computer programmes, service works and the works incorporated into a complex object (Article 1240)."

3. Ibid, p 317.

4. The provisions of this article do not apply to computer programs, audiovisual works and databases .

5. "Where serious reasons arise, the author alone shall have the right to request the court of first instance to prevent putting the work in circulation, withdraw the work from circulation or allow making substantive modification to the work, notwithstanding his disposal of the economic exploitation rights..." (Article 144).

6. "... the author shall make a public announcement of the withdrawal..." (Article 1240).

۷. حکمت نیا محمود، پیشین، ص ۶۳

۸. زرکلام ستار، پیشین، ص ۱۲۵

چارچوب قواعد موجود، امکان اجرای حق انصراف با تفسیر موسع از قانون فراهم باشد. هرچند بهتر آن است که برای رفع هرگونه شبهه قواعد خاصی در این خصوص وضع شود:

ث: اختصاص حق هرگونه بهره‌برداری معنوی به پدیدآورنده

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قبل از اینکه تعریفی از حقوق معنوی ارائه دهد و یا حتی انواع مختلف آن را برشمارد، عنوان می‌دارد: «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است». این نحوه انشاء حکم، حکایت از آن دارد که قانون‌گذار قبل یا بعد از این ماده باید به این حقوق اشاره کرده باشد. به موجب ماده ۳: «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست». با نگاهی به این ماده مشخص می‌شود قانون‌گذار در ابتدا برخی مصادیق حقوق انحصاری پدیدآورنده را بدون تفکیک مادی یا معنوی بودن آنان برشمرده است و سپس در ادامه با صدور یک حکم کلی، حق هرگونه بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر که از جمله می‌تواند شامل حق انصراف از نشر اثر باشد را نیز متعلق به پدیدآورنده دانسته است.

همچنین، در آیین‌نامه قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز، هرچند حق انتساب اثر به صراحت به عنوان حق معنوی پدیدآور شناخته شده است اما در همین ماده به صراحت قید شده است که حقوق معنوی محدود به این عنوان نیست. در نتیجه، در نظام حقوقی ایران، نه تنها حقوق مادی بلکه حقوق معنوی نیز محدود نیستند^۱ و مالک حق هرگونه بهره‌برداری معنوی از اثر خود را داراست.

ج: حق انصراف، جلوه‌ای از حق نشر

در ادبیات حقوقی موجود، حق انصراف اثر، حقی بسیار نزدیک به حق نشر^۲ یا افشای^۳ اثر و

۱. از بین سایر مواد همین قانون از جمله مواد ۱۸ و ۱۹ می‌توان وجوهی از حقوق معنوی را پیدا کرد که قانون‌گذار به‌طور ضمنی به این حقوق اشاره نموده است؛ اما عنوان حقوق معنوی را بر آن نهاده است. در ماده ۱۸ به الزام اشخاص به درج نام و عنوان و نشان ویژه نویسنده در زمان استفاده، نشر و اقتباس از اثر اشاره می‌نماید (حق سرپرستی یا انتساب اثر به پدیدآورنده)؛ و در ماده ۱۹، هرگونه تغییر یا تحریف آثار مورد حمایت را ممنوع اعلام می‌کند. (حق تمامیت اثر).

2. copyright – Droit de Publication.

3. Right to Disclose – Droit de divulguer.

درواقع جلوه دیگری از آن شناخته شده است.^۱ مطابق ماده ۴-۱۲۱. L قانون مالکیت فکری فرانسه، مؤلف از حق پشیمانی یا بازستانی «حتی پس از نشر اثر برخوردار است که به نظر دکتربین، نشر معادل افشاء و اعلان است و بنابراین این حق ادامه حق افشاء و اعلان محسوب می شود.»^۲ حقی که به صراحت در ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران نیز مورد اشاره قرار گرفته است. با وجود این، در قانون تعریفی از حق نشر ارائه نشده و ماهیت آن نیز به صراحت مشخص نشده است.

در ادبیات موجود، حق افشا (انتشار اثر)^۳، حقی است انحصاری که بر اساس آن پدیدآورنده در خصوص ارائه یا عدم ارائه اثرش به عموم تصمیم می گیرد و در صورتی که در صدد ارائه اثر به عموم باشد، زمان، روش و شیوه آن را تعیین می کند.^۴ در واقع انتشار اثر برخلاف میل و رضای پدیدآورنده تجاوز به شخصیت او محسوب شده است.^۵

با وجود این در خصوص ماهیت حق نشر، به ویژه در نظام حقوقی ایران، دیدگاه های مختلفی در مادی و یا معنوی بودن این حق، قابل طرح است. از یک سو در آیین نامه قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای که حقوقی مشابه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان برای پدیدآورنده در نظر گرفته، حق نشر به صراحت جز حقوق مادی معرفی شده است. ماده ۵ آیین نامه مقرر کرده: «حقوق مادی نرم افزار رایانه ای بدون اینکه منحصر به مصادیق زیر باشد عبارت از حق استفاده شخصی، حق نشر، حق عرضه، حق اجرا، حق تکثیر و هرگونه بهره برداری اقتصادی است و قابل نقل و انتقال می باشد.»

با وجود این، طبق تعریفی که از عمل نشر در آیین نامه ارائه شده می توان گفت نشر اثر عملی دووجهی است که صرفاً به قصد مادی و کسب در آمد انجام نمی شود. به موجب ماده ۶ آیین نامه: «نشر عبارت است از قرار دادن نرم افزار در معرض استفاده عموم اعم از اینکه بر روی یکی از حامل های رایانه ای، تکثیر شده یا به منظور فوق در محیط های رایانه ای قابل استفاده برای دیگران قرار داده شود.» همان گونه که ملاحظه می شود، صرف در معرض استفاده دیگران قرار دادن به

1. Rajan, Ibid. p 205.

۲. محمدزاده وادقانی، علیرضا، پیشین. ص ۹۹.

۳. صفایی سید حسین، «مالکیت ادبی و هنری»، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۷، پائیز ۱۳۵۰، ص ۱۲۲.

۴. دولن پولود، پیشین، ص ۱۱۱.

۵. صفایی سید حسین، پیشین. ص ۱۲۲.

معنای نشر است. این عمل می‌تواند نظیر آنچه در حق اختراع و حق بر طرح صنعتی تحت عنوان «حق عرضه برای فروش» در انحصار دارنده حق قرار گرفته است، به انگیزه مالی و کسب درآمد انجام شود و یا قصد پدیدآورنده صرفاً فراهم کردن قابلیت دسترسی دیگران به اثرش باشد، بی‌آنکه از این رهگذر قصد انتفاع و کسب درآمد داشته باشد. مؤید دیگر آن است که در متن قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که از نظر سلسله‌مراتب قانونی بر آیین‌نامه ترجیح دارد، با ادبیاتی مشابه قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، اشاره‌ای به ماهیت حق نشر نشده و صرفاً حق اجرای آن به‌طور انحصاری، متعلق به پدیدآورنده دانسته شده است.^۱

همچنین با توجه به تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی می‌توان ماهیت این حق را معنوی دانست. این ماده اشعار می‌دارد «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف، مؤلف، مترجم و در صورتی که فوت آن‌ها بدون رضایت ورثه و یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود»؛ یعنی ابتدا باید اراده پدیدآورنده بر این تعلق گرفته باشد که اثرش چاپ شده و در دسترس عموم قرار گیرد تا پس از آن امکان توقیف اثر فراهم باشد. چراکه هدف از توقیف اثر، فروش و مزایده آن است که نتیجه آن نشر و افشای عمومی اثر است. حتی که مانند سایر حقوق معنوی، صرفاً به پدیدآورنده تعلق دارد. دلیل دیگر در تائید معنوی بودن این حق، اشاره به حق پخش و عرضه، پس از حق نشر در ماده ۳ قانون است. چراکه با وجود عبارت پخش و عرضه که به دنبال حق نشر آمده‌اند باید پذیریم نظر قانون‌گذار بر جنبه معنوی انتشار اثر بوده است نه عرضه مادی آن به عموم.

حق انصراف نیز جلوه‌ای از حق نشر یا افشا است. حق افشا یا نشر دارای دو وجه است. از یک سو خالق حق دارد اثر خود را افشا و منتشر کند و از سوی دیگر حق دارد اثر خود را افشا و منتشر نکند. حق انصراف، منصرف به وجه دوم یعنی حق عدم انتشار اثر است؛ مانند حق ذکر نام که آن نیز دو وجهی است. خالق حق دارد تعیین نماید، نام او بر روی اثر قید شود و یا قید نشود. اگر خالق در ابتدا اجازه درج نام خود بر روی اثر را داد، می‌تواند از این تصمیم خود منصرف شود و درخواست کند در چاپ‌های بعدی نام او ذکر نشود. خالقی نیز که اثر خود را منتشر کرده است می‌تواند از تصمیم خود منصرف شود و از ناشر بخواهد اقدام به نشر مجدد

۱. «ماده ۱ - حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده آن است...».

اثر او نکند. به این ترتیب ماهیتاً حق انصراف از نشر ناظر به وجه دوم حق نشر است و می‌توان گفت حقی تبعی و تکمیل‌کننده حق نشر است.

چ: مبانی نظام حق ادبی و هنری

با توجه به مبانی نظام حقوق ادبی و هنری در کشورمان، زمینه ارزشی برای پیش‌بینی این حق در نظام حقوقی داخلی فراهم است. قوانین هر نظام حقوقی، به میزان عمده‌ای انعکاسی از ارزش یا ارزش‌های برتر در آن نظام است. یکی از نویسندگان اعتقاد دارد مهم‌ترین مبنای نظام حقوق ادبی و هنری، به نظریه شخصیت هگل بازمی‌گردد. نظریه‌ای که مهم‌ترین اثر آن شناسایی حقوق معنوی به نفع خالق اثر است.^۱ و در نظام‌های حقوقی همچون ایالات متحده آمریکا که نظام حقوق مالکیت فکری آن عمدتاً بر پایه منفعت‌گرایی است، حقوق معنوی بر پایه عناوین اخلاقی همچون رقابت غیرمنصفانه، توهین و حق خلوت توجیه می‌شود.^۲

در نظام حقوق داخلی ما نیز قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ که به تبعیت از نظام حقوق فرانسه پی‌ریزی شده است، تمایل مقنن ایرانی را به نظام حق مؤلف و نه کپی‌رایت نشان می‌دهد.^۳ در این صورت آنچه محور اصلی حمایت در نظام داخلی است، مؤلف و خالق اثر است و پیش‌بینی حق انصراف برای مؤلف می‌تواند قدمی در حمایت بیشتر از مؤلف و فرصتی برای بروز و ظهور هر چه بیشتر شخصیت او باشد. با وجود این، به دلیل تعارض اعمال این حق با حقوق سایر اشخاص، باید محدودیت‌های این حق مشخص شود.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران، به‌صراحت نامی از حق انصراف برده نشده است. به همین دلیل حقوقدانان داخلی، معتقد به عدم وجود این حق در نظام داخلی و حتی عدم نیاز به این حق هستند. در مقابل با توجه به مبنای نظام حقوق ادبی و هنری کشورمان که ملهم از حقوق فرانسه و مبتنی بر نظریه شخصیت است می‌توان حق انصراف را حقی دانست که برای جلوگیری از نشر

۱. حکمت‌نیا، محمود «مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن»، در «مباحثی از مالکیت فکری»، به کوشش حسینعلی بای، (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۴). ص ۵۷.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. زرکلام، ستار، پیشین. صص ۱۵-۱۴.

عقایدی که دیگر معرف شخصیت نوین خالق نیست، لازم و ضروری است. این حق در واقع وجه دیگری از حق نشر است؛ ولی اجرای آن در عمل با اصل لزوم قراردادها در تقابل قرار می‌گیرد. به دلیل ناکارآمدی راهکارهای قراردادی، برخی نظام‌های حقوقی، حق انصراف را به عنوان امری استثنائی بر اصل لزوم قراردادها به نفع خالق پیش‌بینی کرده‌اند ولی برای ایجاد توازن و تعادل میان منافع طرفین درگیر، شروط و محدودیت‌هایی بر آن در نظر گرفته‌اند. امری که با توجه به مبانی و ارزش‌های نظام حقوق ادبی و هنری در نظام داخلی ما نیز قابل توجیه است.

به همین دلیل برخی حقوقدانان پیشنهاد اصلاح قانون و شناسایی این حق به نفع خالق را مطرح کرده‌اند.^۱

لذا با توجه به مطالبی که بیان گردید، می‌توان موادی با مضامین زیر را در تدوین قوانین مورد نظر پیشنهاد نمود.

۱- با توجه به ارتباط تنگاتنگ آثار ادبی با شخصیت خالق، این حق در خصوص آثار ادبی که حق نشر آن به دیگری واگذار شده است پیش‌بینی شود و آثاری همچون آثار هنری، نرم‌افزار رایانه‌ای، پایگاه‌های داده، آثار ناشی از استخدام و آثار مرکب از محدوده این حق استثنا شوند.

۲- دلایل اعمال حق نیز دو مورد تغییر اساسی عقاید خالق اثر و یا عدم بهره‌برداری ناشر ظرف مدت زمان مشخصی تعیین شود.

۳- این حق مختص عدول از حق نشر است. پس اگر سایر حقوق مادی به دیگری منتقل شده باشد، خالق حق عدول از آن‌ها را ندارد.

۴- در صورت انتقال حق نشر اثر به دیگری، اعمال حق انصراف، منوط به تجویز اعمال حق انصراف توسط دادگاه ذیصلاح است.

۵- دادگاه صالح مکلف است هم‌زمان با تجویز اعمال حق انصراف، خالق اثر را مکلف به جبران خسارت‌های وارد بر ناشر را نماید. جبران خسارت، شرط اجرای حق است. در صورتی که ظرف مهلت تعیین شده، خالق اثر، خسارت‌های تعیین شده را جبران نکند، حکم دادگاه بی‌اثر می‌شود.

۱. محسنی و قبولی درافشان، پیشین. ص ۱۹۲.

۶- در صورتی که پدیدآورنده پس از اعمال حق انصراف مجدداً قصد انتشار اثر خود را داشته باشد، خالق اثر مکلف است حق تقدم انتشار اثر را با شرایط متعارف مجدداً به ناشر اولیه واگذار کند. البته ممکن است استدلال شود با توجه به الزام خالق به جبران خسارت‌های ناشر، دلیلی بر عقد مجدد قرارداد با ناشر وجود ندارد. این در حالی است که در نظام حقوق نوشته، اجرای عین تعهد^۱، ضمانت اجرای مطلوب است^۲ و جبران خسارت ضمانت اجرای فرعی تر به حساب می‌آید. از این رو علی‌رغم جبران خسارت‌های وارد به ناشر، ترجیح بر آن است که ناشر مجدداً به وضع سابق برگردانده شود. با وجود این چنانچه مبنا بر افزایش گستره حمایت از خالق باشد، می‌توان همچون نظام حقوقی مصر، به دلیل جبران پیشینی خسارت‌ها، شرط الزام به عقد مجدد قرارداد با ناشر را در نظر نگرفت.

۷- حق انصراف پس از وفات پدیدآورنده به وراث او منتقل شده و وراث پدیدآورنده در صورت ارائه دلایل مثبت دال بر تغییر عقاید خالق در زمان حیات وی یا مخالفت عقاید خالق با شخصیت و مصالح خانوادگی و یا عدم بهره‌برداری اثر ظرف مدت زمان مشخص، حق انصراف از نشر آثار متوفی را خواهند داشت.

1 . Specific Performance.

2. Yorio, Edward, and Steve Thel. "Contract enforcement: specific performance and injunctions". Aspen Publishers Online, 2011, p 23-4.

منابع

فارسی

- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری، (تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵).
- امینی نژاد، علی، صفایی، سید حسین، «تحلیلی فقهی و حقوقی موانع نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۷، بهار (۱۳۹۶).
- توسلی نائینی، منوچهر، جعفری شهین «کنوانسیون برن ۱۸۸۶ و مزایای الحاق به آن»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، پائیز (۱۳۸۸) دوره ۵، شماره ۱۷.
- حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، چ، دوم، (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷).
- _____، مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن، در مباحثی از مالکیت فکری، چ، اول، (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴).
- زر کلام ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷).
- صالحی ذهابی، حق اختراع، (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸).
- صفایی سید حسین، «مالکیت ادبی و هنری ۲»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷، پائیز (۱۳۵۰).
- _____، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۵).
- _____، صادقی محسن و محسنی حسن، «مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و دارندگان حقوق مرتبط»، مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴۷ پائیز (۱۳۸۵).
- صادقی محمود، صادقی محسن، حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنت، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، آبان ۱۳۸۶).
- کلود کلمبه، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان ترجمه و توضیح دکتر محمد زاده وادقانی، علیرضا، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، زمستان ۱۳۹۰).

- لغتنامه دهخدا

- ملکی مصطفی، «امکان سلب حقوق مربوط به شخصیت در فقه و حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق»، شماره ۱۵، ۱۴۲. زمستان (۱۳۹۶).

- محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمدمهدی: «حق پدیدآورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱، شماره ۲، زمستان (۱۳۹۱).

English

- S. McKeown John, Canadian Intellectual Property Law and Strategy, Oxford University Press. Inc. 2010.

- Goldstein, Paul. *International copyright: principles, law, and practice*. Oxford University Press, USA, 2001.

- M. Taitano and S. Farb, *International Moral Rights: Working Document – Moral Rights by Country*, 2005, Available at: [http://www.interpares.org/display_file.cfm?doc=ip2\(policy\)moral_rights.pdf](http://www.interpares.org/display_file.cfm?doc=ip2(policy)moral_rights.pdf)

- Prasad, Akhil, Aditi Agarwala, and Akhil Prasad. *Copyright Law Desk Book: Knowledge, Access & Development*. Universal Law Publishing, 2009

- Radkova, Lenka. "Moral Rights of Authors in International Copyright of the 21st Century: Time for Consolidation?", Dissertation of Masters of Law, the University of British Columbia, 2001

- Rajan, M.T.S. "Moral rights: principles, practice and new technology". Oxford University Press, 2011.

- Rigamonti, Cyril P. "Deconstructing moral rights." *Harv. Int'l LJ* 47 (2006): 353

- Schere, Elizabeth. "Where Is the Morality: Moral Rights in International Intellectual Property and Trade Law." *Fordham Int'l LJ* 41 (2017): 773.

- Sundara Rajan, Mira T., "Moral Rights and Copyright Harmonization: Prospects for an 'International Moral Right'" (April 5, 2002). 17th BILETA Annual Conference Proceedings. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1809619>